

جام جم



اشک هور از چشم مادر

مجتبی فرآورده، تهیه‌کننده فیلم «اشک هور» در گفت‌وگوی اختصاصی با «جام جم» می‌گوید بدون قهرمان و ضد قهرمان، درام شکل نمی‌گیرد

◀ صفحه ۸

انقلاب کردیم

تا نوکر اجانب نباشیم

قنبر راسخ در گفت‌وگو با «جام جم» به بیان خاطرات خود از مبارزات ارتشی‌های انقلابی علیه حکومت پهلوی پرداخت

◀ ۱۱۱



نقبی به

دالان تاریخ

برنامه این شب‌های شبکه یک تلاش کرده روایتی تازه از تاریخ معاصر به مخاطب ارائه کند

◀ ۲۱



تصویر زنان

در قاب «سینما بانو»

تهیه‌کننده و سردبیر برنامه این شب‌های شبکه تهران از اهداف و چالش‌های این برنامه می‌گویند

◀ ۶۱



زاویه دید

نغمه‌های آسمانی در مصحف سجاد

صحیفه سجادیه، گنجینه‌ای از نیایش‌ها و آموزه‌های اخلاقی امام سجاد^(ع) برای شیعیان و تمام عاشقان معنویت و کمال است

حضرت علی (ع) دارد که در آن فرموده است: «دنیا طلبی ریشه و مرکز اصلی همه خطاهای ماست.» چراکه حب دنیا آدمی را به غیر حق متوجه می‌کند و او را از عنایت خداوند بازمی‌دارد. دعای دیگر امام: «حمد بادتورا؛ حمدی که به دوام تو بر دوام ماند، حمد باد تو را، حمدی که تا نعمتت جاودانه است، جاودانه ماند، حمد باد تو را، حمدی در برابر احسانت، حمدی که به خشنودیت بیفزاید.» نشانی از نماز را برمی‌تاباند و گویی لبان آن حضرت به گفتن «سبحان...» مترنم است.

همچنین امام زین‌العابدین (ع) در این کتاب به کرات به موضوع شکر و سپاس

کتاب صحیفه سجادیه آموزه‌هایی از سطوح مختلف خدانشناسی تامسائل اجتماعی ارائه می‌دهد. این کتاب در میان آثار ارزشمندانه‌ا اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در میان خطبه‌ها، نامه‌ها، شعرها و کلمات امام چهارم جایگاه ویژه‌ای دارد. آئمه از این کتاب مواظبت کرده و به آن سفارش کرده‌اند تا از دسترس ناهلان دور باشد و به این شیوه بدون هیچ‌گونه نقصی به دست شیعیان و دوستداران برسد. بر این کتاب پرارزش قریب ۷۰ شرح

نوشته شده است.

امام سجاد(ع) در مناجات‌های این کتاب به غیر از راز و نیاز با خالق هستی، آدمی را به فضائل اخلاقی سفارش کرده و از رذایل اخلاقی برحذر داشته است. ایشان همچنین به لزوم بیداری و آگاهی انسان از خواب غفلت و بی خبری اشاره و علاوه بر مسائل عبادی و معنوی، به مسائل اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته است. امام سجاد(ع) در برخی از مناجات‌های خود

به مشکلات و گرفتاری‌های مردم اشاره کرده و از خداوند برای رفع آنها یاری طلبیده و به اخلاق کریمه

و حسنه سفارش می‌کند؛ گویی تمام کمالات انسانی و وظایف فردی در راز و نیازهای این امام همام مستتر است. امام در دعایی به‌عنوان «مرزداران» از خداوند می‌خواهد تا حافظ مرزهای اسلام و نگهبانان آن باشد و در دعایی دیگر موسوم به «همسایگان» می‌فرماید: «خداوندا به ایشان توفیق عطا کن تا به عیادت همسایگان بیمارشان بروند» و با این دعا انسان را به فضیلت اخلاقی دیدار با همسایه تشویق می‌کند و در دعایی دیگر می‌گوید: «خداوندا مرا از خواب غافلان ... و به خودو آنها دگان بیدار گردان.» امام در اینجا از غفلت و بی خبری به خداوند پناه می‌برد و از قران یاد می‌کند که بارها در آن گفته شده «از غافلان و بی خبران یاد خدامباش.» امام در دعایی دیگر می‌فرماید: «دوستی دنیا ی دون را از دلم بردار که مرا از هر چه نزد توست بازمی‌دارد.» این دعای امام اشاره‌ای به حدیث

صحیفه سجادیه، مجموعه‌ای ارزشمند از دعاها و نیایش‌های امام زین‌العابدین (ع) است که امام زین‌العابدین(ع) و در میان خطبه‌ها، نامه‌ها، شعرها و کلمات امام چهارم جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و عرفان اسلامی دارد و نه تنها برای شیعیان، بلکه برای تمام کسانی که به دنبال معنویت و ارتباط با خدا هستند، گنجینه‌ای بی‌نظیر محسوب می‌شود. این کتاب به معنای کتاب سجاد است و سجاد یکی از القاب این امام بزرگوار به شمار می‌رود. این کتاب گرانتقدر که به «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» شهرت یافته، شامل آموزه‌های عمیق و نکات عرفانی است که در قالب دعا و نیایش، انسان را به سوی معبود حقیقی هدایت می‌کند.

صحیفه سجادیه گستره‌ای وسیع از معارف الهی و آموزه‌های اخلاقی از خدانشناسی و صفات الهی گرفته تا مسائل اجتماعی و آداب معاشرت را دربر می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های بارز این کتاب زبان ادبی و بلیغ آن است که با لحنی شیوا و دلنشین، جان‌ها را مجذوب خود می‌سازد. امام سجاد(ع) در این مناجات‌ها، با استفاده از الفاظ و تعابیر زیبا و مؤثر، به بهترین شکل ممکن به بیان احساسات و عواطف خود پرداخته و مضامین عالی عرفانی را به تصویر کشیده است. واژه کمال در این کتاب که به کتاب کامل یا کامله نیز موسوم است، نشانی از جامعیت و کمال محتوای آن دارد. به دلیل اهمیت و جایگاه والای صحیفه سجادیه، تاکنون شروح و ترجمه‌های متعددی از آن به زبان‌های مختلف از جمله فارسی، عربی، انگلیسی و... منتشر شده است. اعتبار این اثر گرانبها بر کسی پوشیده نیست و روایت شدن آن به‌وسیله سه فرقه اسماعیلیه، زیدیه و امامیه خود گواه روشنی بر اصالت و اهمیت آن در میان مسلمانان است.

براساس روایات موجود، امام سجاد(ع) تعالیم مناجات خود را به فرزندانش آموزش می‌داد که بعدها به صورت صحیفه سجادیه گردآوری و تدوین شد. این کتاب از همان ابتدا مورد توجه و استقبال عموم قرار گرفت و نسخه‌های متعددی از آن در میان شیعیان رواج یافت. متن حاضر صحیفه سجادیه علاوه بر مناجات‌های حضرت، شامل برخی ادعیه دیگر نیز بوده که توسط بزرگانی چون علامه مجلسی به آن افزوده شده است.



هما شورا ریخت نویسنده و پژوهشگر

یادداشت

محمد جعفر محمدزاده / پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

شاهکار، مولود عشق است نه زور و دستور

گاهی گفته می‌شود که استواری و دیرپایی زبان فارسی در حوزه تمدنی ایران، نتیجه جبر حاکمان بوده است! اما حقیقت این است که زبان فارسی نزد ایرانیان همواره یازبان مادری بوده، یا زبان رسمی، یا میانجی و فراگویی. برای بسیاری از مردم خارج از قلمرو ایران نیز فارسی زبان شعر، ادب، عرفان و دانش بوده است.

برای نمونه در طول بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال، زبان فارسی نه فقط در شبه‌قاره هند جایگاه ادبی و عرفانی داشت، بلکه زبان رسمی و دیوانی آن سرزمین نیز بود. حضور درخشان شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی، اقبال لاهوری و صدها سخنور پارسی‌گوی شبه‌قاره، هزاران نسخه‌خطی ناب فارسی و حتی انتشار نخستین روزنامه‌های فارسی‌زبان پیش از ایران، همگی گواهی روشن بر این حقیقت است. ادعای این‌که گسترش زبان فارسی از شمال چین تا بالکان و از فرارودان تا میان‌رودان تنها محصول جبر حاکمان بوده، کمی مضحک به نظر می‌رسد. چه کسی می‌توانست مولوی را در قونیه، که زمانی مرکز سلاحه روم شرقی و شاهراه فرهنگی بود، مجبور کند که مجالس خود را به فارسی برگزار کند و «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس» را که لبریز از عشق و شوریدگی است، به این زبان بسراید؟ چه کسی ابوالفضل بیهقی را در دربار محمود و مسعود غزنوی – که خود ترک‌زبان بودند و مشروعیت‌شان را از خلفای عباسی می‌گرفتند – وادار کرد که «تاریخ بیهقی» را نه به زبان ترکی، نه به عربی، بلکه به فارسی بنویسد؟ اگر جبر و تحمیل در کار بود، آیا نباید دستور می‌دادند که تاریخ را به زبان قوم و قبیله یا به زبان رسمی خلافت ثبت کند؟ بسیاری از سلسله‌های حاکم بر ایران پس از اسلام، از جمله سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، یا ترک‌زبان بودند یا تحت نفوذ خلفای عرب، در آذربایجان و قفقاز، فرمانروایانی که لشکریانی ترک‌زبان داشتند، حتی یک بیت غیر فارسی نسرودند. برعکس، همان سرزمین، زادگاه سخنورانی چون نظامی گنجوی، مهستی گنجوی، خاقانی و فلکی شروانی شد که آثارشان چون ستارگانی در آسمان ادبیات فارسی می‌درخشد. حتی در دستگاه مغولان، از هولاکو و غازان تا تیمور و فرزندانش و جانشینانش، زبان دیوانی و ادبی فارسی بود. در دوران تیموریان و گورکانیان، قلمرو زبان فارسی از کاشغر و شمال چین تا بالکان و شمال آفریقا گسترش یافت. شاهان زندیه، به‌ویژه کریم‌خان زند که به مردم‌داری شهره بود، با وجود آن‌که زبان مادری‌شان فارسی نبود، حتی یک اثر به زبان قومی خود تولید نکردند. در دوران صفویه، افشاریه و قاجاریه نیز این روند ادامه یافت.

چگونه ممکن است که در طول ۱۴ سده، سرزمینی که بسیاری از فرمانروایانش ترک‌زبان یا عرب‌زبان بودند، مردم را مجبور کرده باشند که به فارسی سخن بگویند و بنویسند؟ فرض کنیم که دیوانیان به ضرورت‌های اداری و فرهنگی زبان فارسی را برگزیده باشند اما چه کسی رودکی سمرقندی، فردوسی توسی، عنصری بلخی، سنایی غزنوی، قطران تبریزی، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی، انوری ابیوردی، باباطاهر همدانی، سعدی و حافظ شیرازی، بیدل و امیر خسرو دهلوی و اقبال لاهوری را مجبور کرد که زبان و گویش قومی و محلی خود را کنار بگذارند و به فارسی بسرایند؟ زبان فارسی بستری برای خلق شاهکارهایی چون «شاهنامه»، «تاریخ بیهقی»، «اسیاست‌نامه»، «قابوس‌نامه»، «مرزبان‌نامه»، «تاریخ جهانگشای جوینی»، «سمک عیار»، «کلیله و دمنه»، «مرصادالعباد»، «زادالمسافرین»، «کیمیای سعادت»، «گلستان» و «بوستان»، «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس» بوده است؛ آثاری که هر یک، نه فقط از افتخارات حوزه تمدنی ایران، بلکه شاهکارهای ادبی و حامل اندیشه‌های والای بشری‌اند. «شاهکار»، محصول عشق و ایمان است، نه زور و دستور. هیچ‌گاه در تاریخ، فرهنگ و هنر هیچ شاهکاری با اجبار زاده نشده است. در هیچ منبعی نیامده که شاهی یا سطلانی در سراسر ایران، کسی را مجبور کرده باشد که از زبان مادری‌اش دست بشوید و به فارسی سخن بگوید. شکوه و گستره زبان فارسی، نه‌وامدار فرمان‌های سلاطین، که برخاسته از روح بلند مردمانی است که آن را زیسته، هویت ملی و تاریخی خود را بساخته و با آن اندیشیده و در آن جاودانه شده‌اند.

سجادیه است. امام سجاد(ع) در جای جای این کتاب شریف، به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته و راه‌های رسیدن به مقام شکر را به ما آموخته‌اند. گویی این امام بزرگوار، سعدی شیرازی را بر آن داشته تا در کتاب خود بارها به موضوع شکر اشاره کند؛ هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیاتست و چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب. امام سجاد(ع) در مناجات‌های خویش، بارها به‌حمّت و اسعه الهی و امیدواری به آن اشاره کرده‌اند. ایشان در جایی می‌فرمایند: «غفوا و بیشتر از عذابش و رضای او فراوان‌تر از خشم اوست.» این کلام گهربار بیانگر بخشندگی بی‌کران خداوند است و به ادب فارسی نیز راه یافته و الهام‌بخش شاعران و عارفان بسیاری بوده است. مولانا جلال‌الدین بلخی، شاعر و عارف نامدار ایرانی، با الهام از این کلام امام(ع)، بیتی زیبا و دلنشین سروده است: ای دل چه اندیشیده‌ای در عذر آن تقصیرها/ زان‌سوی او چندان وفا زین سوی تو چندین جفا این بیت، به زیبایی هر چه تمام‌تر، تقابل میان وفاداری و بخشندگی خداوند را با جفاکاری و کوتاهی انسان به تصویر می‌کشد. بی‌شک، ادعیه امام سجاد(ع) که خود، مصداق بارز «سیدالسادجین» است، به انسان می‌آموزد که چگونه می‌توان با خداوند سخن گفت و از او که سرچشمه همه خوبی‌هاست، طلب یاری کرد. صحیفه سجادیه، نه تنها مجموعه‌ای از نیایش‌ها و مناجات، بلکه چشمه‌ای جوشان از معارف الهی و آموزه‌های اخلاقی است که با هر بار خواندن، جان و روح انسان را سیراب می‌کند. این ادعیه، گویی با هر بار تلاوت، رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرند و لایه‌های جدیدی از معنا و مفهوم را بر

انسان می‌گشایند. دلیل این پویایی و تحول در ادعیه امام(ع)، آن است که این کلمات، از عمق جان و روح ایشان برخاسته‌اند و با لطیف‌ترین و دقیق‌ترین تعابیر، به بیان احساسات و عواطف انسانی در برابر خداوند می‌پردازند. به همین دلیل است که هر کسی، با هر سطح از ایمان و معرفت، می‌تواند با این ادعیه ارتباط برقرار کند و از آنها بهره‌مند شود. نفوذ و تأثیر این ادعیه نه فقط در میان شیعیان، بلکه در گستره ادب و عرفان اسلامی نیز مشهود است. ردپای این نیایش‌های آسمانی را می‌توان در آثار شاعران و نویسندگان بزرگی مانند مولانا، سعدی، حافظ و... مشاهده کرد. این امر، گواه روشنی بر غنای معنوی و ادبی این اثر گرانبسنگ است.



خداوند پرداخته و ظرافت‌های این مقوله را به تصویر کشیده‌اند. در یکی از این ادعیه، حضرت چنین می‌فرمایند: «هر کس هر چه شکر کند، باز هم به درگاه الهی مقصر است.» این کلام ژرف، ما را به یاد شعر نغز سعدی شیرازی می‌اندازد که می‌گوید: عطایی است هر موی از او بر تنم/ چگونه به هر موی شکری کنم. این شعر و دعای امام(ع)، به زیبایی بیانگر آن است که نعمت‌های خداوند آنچنان بی‌کران و بی‌شمارند که زبان و جان آدمی از ادای شکر آنها عاجز است. حتی اگر تمام عمر را به سپاسگزاری بگذرانیم، باز هم در برابر این همه لطف و رحمت الهی، خود را قاصر و مقصر خواهیم یافت. موضوع شکرگزاری، یکی از مباحث مفصل و پرمغز صحیفه